



سال دوازدهم • بهار و تابستان ۱۴۰۵ • شماره ۲۴

Biannual Journal of Islamic Psychology
Vol. 12, No. 24, Spring & Summer 2026

مؤلفه‌های عشق زناشویی بر اساس منابع اسلامی؛ تحلیل مضمون

میلاد شماخته*

 10.22034/psy.2026.52341.1533

چکیده

عشق زناشویی در اسلام، پدیده‌ای فراتر از هیجانی گذراست و به‌عنوان پیوندی قدسی، ریشه در ایمان، اخلاق و شناخت دارد. پژوهش حاضر با هدف تبیین مؤلفه‌های بنیادین عشق زناشویی و ارائه مدلی مفهومی بر اساس منابع اسلامی انجام شد. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شد. داده‌ها از طریق نمونه‌گیری هدفمند در آیات قرآن و روایات معتبر مرتبط با روابط عاطفی زوجین، با معیار اشباع مفهومی گردآوری شد. فرآیند تحلیل شامل کدگذاری سه‌گانه (باز، محوری و گزینشی) بود و اعتبار یافته‌ها با استفاده از شاخص‌های CVI و CVR توسط ۱۰ نفر از خبرگان تأیید شد. تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی ۸۲۰ کد اولیه، ۴۲ مفهوم، ۱۸ مقوله و ۵ بُعد کلان گردید. مدل نهایی از سه لایه اصلی (مؤلفه‌های زیرساختی شامل کفویت ایمانی و میثاق غلیظ؛ مؤلفه‌های کنشی شامل مودت، سکینه و استعاره لباس؛ مؤلفه‌های تحکیم‌بخش شامل رحمت، عفو و مدارا) و دو لایه فرعی (سازوکار میانجی عاملیت اخلاقی با محوریت تقوا و صبر؛ و پیامدهای پس‌فرآیندی شامل حیات طیبه و سلامت نسلی) تشکیل شد. نتایج نشان داد عشق زناشویی در اسلام فرآیندی نظام‌مند و غایت‌مند است که در آن ایمان و تعهد اخلاقی، هیجانات را به رفتاری پایدار و مقدس تبدیل می‌کند. این مدل می‌تواند چارچوبی مؤثر برای مشاوره خانواده و پژوهش‌های آتی در زمینه تدوین ابزارهای سنجش عشق مبتنی بر آموزه‌های اسلامی فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: عشق، عشق زناشویی، منابع اسلامی، مدل مفهومی، مودت و رحمت.

* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران (shamakhte1997@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۸

مقدمه

خانواده بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی است که بسیاری از قانون‌مندی‌ها و بی‌قانونی‌های اجتماع در بستر آن شکل می‌گیرد (سالاری‌فر، ۱۳۹۵، ص ۸۱). استحکام این بنای اصیل، تضمین‌کننده سلامت روان اعضا و ثبات ارزش‌های کسب‌شده در یک جامعه محسوب می‌شود (بستان و بختیاری، ۱۳۹۰، ص ۲۱). در میان نیازهای اساسی بشر، نیاز به امنیت عاطفی و پیوند پایدار، از اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی است (هاید، ۱۳۸۴، ص ۱۰۹) که در نظریه‌های روان‌شناختی بر آن تأکید شده است (شماخته و صفورایی، ۱۴۰۴، ص ۱۶ - ۱۸). عشق به‌عنوان هسته مرکزی این پیوند، از نظر روان‌شناختی یک نیاز بنیادین است که فقدان آن منجر به آسیب‌پذیری خودانگاره و ایجاد عقده حقارت در فرد می‌گردد (استرنبرگ، ۲۰۲۰^۱، ص ۱۰۲). نمی‌توان ادعا کرد که هر دوست‌داشتنی بین زوجین عشق نامیده می‌شود (باکوم، اپستین و پار، ۲۰۱۲^۲). سه نوع عشقی که در روان‌شناسی اجتماعی مطرح شده، عشق رمانتیک، عشق محبت‌آمیز و عشق تمام عیار است (سانتراک، ۱۳۹۷، ص ۲۰۱). پژوهش‌های زیادی نشان دادند که دلیل اصلی ازدواج، عشق رمانتیک است (سانتراک، ۱۳۹۷، ص ۱۸۹). بیش از نیمی زنان و مردان امروزی معتقدند صرفاً عاشق یکدیگر نبودن کافی است که زوجین به طلاق و جدایی برسند (بک، ۲۰۱۴^۳، ص ۹۸).

در روان‌شناسی، نظریه‌های متعددی برای تبیین ماهیت، مؤلفه‌ها و انواع عشق زناشویی ارائه شده است. استرنبرگ (۱۹۸۶، ص ۱۱۹ - ۱۳۵) در نظریه مثلثی عشق^۴ معتقد است که عشق از سه مؤلفه اساسی صمیمیت،^۵ شور/هیجان^۶ و تعهد^۷ تشکیل شده است. هاتفیلد و والستر^۸ دو نوع عشق رمانتیک را از یکدیگر تفکیک می‌کنند: عشق پرشور^۹ که حالت هیجانی شدید همراه با اشتیاق، ایدئال‌سازی و جذابیت جنسی است؛ و عشق همراه^{۱۰} که محبت و صمیمیت عمیق‌تری را منعکس می‌کند و از نظر جنسی کمتر رنگ‌آمیزی شده است (هاتفیلد و والستر، ۱۹۷۸، ص ۱ - ۲۵).

1. Sternberg, R. J.

2. Baqum, D. C., Opestin, A. J. & Parr, M. R.

3. Bek, A. T.

4. Triangular Theory of Love

5. Intimacy

6. Passion

7. Commitment

8. Hatfield, A. & Walster, S.

9. Passionate Love

10. Companionate Love

لی^۱ در نظریه چرخ رنگ عشق را آنچه زن و شوهر را به هم متمایل می‌کند تعریف می‌کند (لی، ۱۹۷۳؛ ۱۹۷۷، ص ۱۷ - ۳۲). دایون و دایون^۲ عشق زناشویی را تعهد و پیمان محکمی معرفی کرده‌اند و نشان دادند که رابطه بین عشق و اعتماد در زوج‌های متأهل قوی‌تر از زوج‌های نامزد یا روابط خارج از چارچوب ازدواج است (دایون و دایون، ۱۹۷۶، ص ۲۲۵ - ۲۳۰). شمیدلر^۳ عشق زناشویی را «چیزی پیچیده» توصیف می‌کند که در آن ویژگی‌هایی مانند میل به همراهی، تصاحب انحصاری، همدردی، فداکاری، ثبات، جوانمردی و ایثار قابل تشخیص است (شمیدلر، ۱۹۴۷، ص ۴۶۰). روبین^۴ در پژوهشی ضمن معرفی عشق زناشویی مقیاسی برای آن طراحی کرده و آن را به‌عنوان نگرشی با سه مؤلفه اصلی دلبستگی وابسته، آمادگی برای کمک و جهت‌گیری انحصاری و جذب‌کننده تعریف می‌کند (روبین، ۱۹۷۰، ص ۲۶۵ - ۲۷۳).

اما رایج‌ترین نظریه عشق، نظریه استرنبرگ است (استرنبرگ، ۲۰۲۰، ص ۱۱۹ - ۱۳۵). به همین دلیل مبنای نظری پژوهش حاضر قرار گرفته است. این نظریه در پژوهش‌های متعددی به‌عنوان چارچوب اصلی تحلیل عشق به‌کار گرفته شده (هیل، رکسروود و اسپیگلن، ۲۰۱۹)^۵ و اعتبار آن در فرهنگ‌ها و گروه‌های سنی مختلف تأیید شده است. مطالعه‌ای با بیش از ۷۳۳۲ شرکت‌کننده از ۲۵ کشور، همسانی فرهنگی این نظریه را به اثبات رساند و پویایی مؤلفه‌های عشق را بر اساس طول مدت رابطه تأیید کرد (سوروکوفسکی^۶ و همکاران، ۲۰۲۱). در پژوهشی دیگر، نظریه استرنبرگ و گونه‌شناسی مشتق شده از آن توسط هندریک، به‌عنوان رایج‌ترین و تجربی‌ترین چارچوب‌های مطالعه عشق معرفی شدند (کلمنته^۷ و همکاران، ۲۰۲۰). این نظریه در پژوهش‌های متعددی از جمله مطالعات اعتباریابی (آکر و دیویس، ۱۹۹۲)، بررسی ویژگی‌های شخصیت (فلچر^۸ و همکاران، ۲۰۰۰)، کاربرد در جمعیت‌های مختلف مانند نوجوانان، جوانان و سالمندان (لمیو و هیل، ۱۹۹۹؛ اوربیک و همکاران، ۲۰۰۷؛ سومتر و همکاران، ۲۰۱۳)^{۱۰} و مطالعات فرافرهنگی در کشورهای گوناگون (عسکرپور و محمدی‌پور، ۲۰۱۶؛ گائو، ۲۰۰۱؛ انگ و چنگ، ۲۰۱۰؛ حسن آگیچ و دراگانویچ، ۲۰۱۴؛ ونچورا - لئون و همکاران، ۲۰۲۰؛ کاسپ -

1. Lee, J.

3. Schmiedeler, E.

5. Hill, S. Rexrode, K. Spiegelman, D.

7. Clemente, M.

9. Lemieux, R. & Hale, J. L.

2. Dion, K. K. & Dion, K. L.

4. Rubin, Z.

6. Sorokowski, P.

8. Fletcher, G. J. O., Simpson, J. A. & Campbell, L.

10. Sumter, S. R., Valkenburg, P. M. & Peter, J.

بورخس و پاسکوالی^۱، ۲۰۱۲) مورد استفاده قرار گرفته است.

بر اساس دیدگاه استرنبرگ به نقل از جوناسن و لووارد - هیل (۲۰۲۰) عشق، یک احساس عاطفی، شناختی و انگیزشی است که بر پایه ارتباط، مشارکت و حمایت متقابل ابراز می‌شود. استرنبرگ ابعاد مختلف این سازه را در قالب یک مثلث ترسیم می‌کند که دارای سه بُعد تعهد (جزء شناختی)، صمیمیت (جزء احساسی) و شور و اشتیاق (جزء انگیزشی) است (استرنبرگ، ۲۰۲۰). یک رابطه زناشویی می‌تواند با هریک از این ابعاد آغاز شده و سپس با رشد مؤلفه‌های دیگر به یک عشق کامل تبدیل شود.

مؤلفه اول عشق صمیمیت عبارت از به اشتراک‌گذاری احساسات و فراهم کردن حمایت عاطفی است و با افزایش نزدیکی به تدریج بیشتر شده و با رشد رابطه عمیق‌تر می‌شود (قهاری، ۱۳۹۵). افراد با انتقادپذیری و جلب اعتماد هم می‌توانند نسبت به حفظ صمیمیت ضمانت قوی عاطفی ایجاد کنند (صادق‌سرشت، ۱۳۹۳). مؤلفه دوم عشق شور و اشتیاق جنسی عموماً با ابراز عاطفه و محبتی که با برانگیختگی فیزیولوژیکی در پیوند است و نیز با تعاملات جنسی ابراز می‌شود و به سرعت آشکار می‌شود و به سرعت نیز می‌تواند محو شود (قهاری، ۱۳۹۵). سه مؤلفه عشق به صورت‌های مختلف با هم ترکیب می‌شوند که استرنبرگ بر این اساس هشت نوع رابطه را تفکیک کرده است: رابطه غیرعشقی که فاقد تعهد، صمیمیت و اشتیاق جنسی است؛ عشق تهی که شامل تعهد و فاقد صمیمیت و اشتیاق جنسی است؛ دوست داشتن که شامل صمیمیت و فاقد تعهد و اشتیاق جنسی است؛ شیفتگی که شامل اشتیاق جنسی و فاقد تعهد و صمیمیت است؛ عشق رومانتیک که شامل صمیمیت و اشتیاق جنسی و فاقد تعهد است؛ عشق ابلهانه که شامل تعهد و اشتیاق جنسی و فاقد صمیمیت است؛ عشق مصاحبتی که شامل تعهد و صمیمیت و فاقد اشتیاق جنسی است؛ و عشق کامل که شامل تعهد، صمیمیت و اشتیاق جنسی است (اولسون و دفراین، ۲۰۰۶). تعهد در این الگو، به معنای وابستگی شناختی به فردی دیگر است که فرآیند رشد آن به زمان زیادی نیاز دارد (استرنبرگ، ۲۰۲۰). ورود رابطه به مرحله وفاداری و پایداری در دشوارترین شرایط، نمایانگر بلوغ بُعد تعهد است. صمیمیت نیز شامل به اشتراک‌گذاری احساسات و فراهم کردن حمایت عاطفی برای شریک زندگی است. این مؤلفه با همزیستی زوجین، به تدریج عمیق‌تر شده و افراد با انتقادپذیری و

روانشناسی
پیشرفته

۱۷۲

پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی
نهمین دوره تابستان ۱۴۰۵

1. Cassepp-Borges, V. & Pasquali, L.

جلب اعتماد، می توانند ضمانت عاطفی قدرتمندی ایجاد کنند (قهاری، ۱۳۹۵، ص ۱۰۱).

اسلام تأکید به خانواده را محور کار خود قرار داده است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۲۱۰). منابع اسلامی نیز ظرفیت شگرفی برای تبیین سازه های روان شناختی دارد (غروی و آذربایجانی، ۱۳۸۵، ص ۸۹)؛ چنان که هدایت شده و تبیک (۱۴۰۳) در پژوهشی با هدف تدوین «مدل مفهومی "مودت" و "رحمت" در روابط همسران بر اساس منابع اسلامی»، با استفاده از معناشناسی زبانی و تحلیل محتوا، مدل مفهومی مودت را شامل دو مؤلفه ساختاری «محبت» و «تَمَنّی» با هجده عامل مؤثر و هجده اثر، و مدل مفهومی رحمت را شامل سه مؤلفه ساختاری «ادراک نیاز»، «رقت» و «احسان» با پنج عامل مؤثر و نه اثر معرفی کرده اند (هدایت شده و تبیک، ۱۴۰۳، ص ۲۹۶ - ۲۹۷). رحیمی، فقیهی و انتصاری (۱۴۰۴) در پژوهشی با هدف «تدوین مدل مفهومی غنی سازی روابط همسران با تأکید بر تأمین نیازهای روان شناختی بر اساس احادیث کتاب بحارالانوار» به سه مؤلفه هسته ای «تأمین نیاز به احترام، تأمین نیاز به محبت و تأمین نیاز به آرامش و امنیت» دست یافته اند (رحیمی، فقیهی و انتصاری، ۱۴۰۴، ص ۹ - ۲۸). همچنین پژوهشی دیگر با هدف تدوین «مدل مفهومی تعامل به معروف بین همسران بر اساس منابع اسلامی»، با استفاده از تحلیل محتوای کیفی متون دینی، نتایج را در چهار دسته اصلی مدیریت رفتار، مدیریت تفکر، درک متقابل و مدیریت هیجانات، طبقه بندی کرده است (شجاعی، سقایی، عسگری و توکلی، ۱۴۰۲، ص ۱ - ۴).

اما بررسی پیشینه های موجود نشان می دهد که هریک از این پژوهش ها به جنبه ای از روابط زوجین در منابع اسلامی پرداخته اند، اما هیچ کدام به طور اختصاصی به تدوین مدل مفهومی عشق زناشویی با رویکردی جامع و مبتنی بر نظریه استرنبرگ نپرداخته اند. ضعف های اصلی پیشینه ها عبارت اند از: نخست، پژوهش هدایت شده و تبیک (۱۴۰۳) هرچند به دو مفهوم کلیدی «مودت» و «رحمت» پرداخته، اما این دو مفهوم را به عنوان «عشق»^۱ تبیین کرده و درحقیقت به جای مدل سازی مدل سازی عشق زناشویی، به مدل سازی دو مفهوم قرآنی پرداخته اند که تنها بخشی از عشق را پوشش می دهند و «مؤلفه شور و هیجان» در مدل آنها غایب است؛ دوم، پژوهش رحیمی و همکاران (۱۴۰۴) اگرچه جامع تر به روابط همسران پرداخته، اما بر «غنی سازی روابط» متمرکز بوده و به طور خاص «عشق» را به عنوان یک سازه مستقل مدل سازی نکرده است و بیشتر به نیازهای

روان‌شناختی (احترام، محبت و امنیت) پرداخته است؛ سوم، پژوهش شجاعی و همکاران (۱۴۰۲) هرچند به مؤلفه‌هایی مانند «حفظ محبت و دوستی پیشین» و «ابراز هیجانات مثبت» اشاره کرده، اما این مؤلفه‌ها در کنار سایر ابعاد تعامل به معروف مطرح شده و مدل مستقل و جامعی برای عشق زناشویی ارائه نداده است. با توجه به خلأهای یادشده، ضرورت تدوین «مدل مفهومی عشق زناشویی بر اساس منابع اسلامی» از چند جهت قابل اثبات است: اولاً، هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین به مدل‌سازی جامع و مستقل از «عشق زناشویی» با تکیه بر تمامی منابع اسلامی (قرآن، روایات، تفاسیر و سیره) نپرداخته‌اند و اغلب به مفاهیم همسو (مانند مودت و رحمت) یا رویکردهای مرتبط (مانند غنی‌سازی روابط) اکتفا کرده‌اند؛ ثانیاً، در منابع اسلامی، مفاهیم متعددی مانند «حُب»، «مودت»، «رحمت»، «سکینه»، «الفت» و «میل» پیرامون عشق زناشویی وجود دارد که پژوهش‌های پیشین هرکدام به بخشی از آنها پرداخته‌اند و هنوز مدلی یکپارچه که این مفاهیم را در یک چارچوب واحد سازماندهی کند، ارائه نشده است؛ ثالثاً، روان‌شناسی معاصر نظریه‌های متعددی درباره عشق (مانند مثلی استرنبرگ، رنگ‌های عشق لی و عشق دلسوزانه هاتفیلد) دارد، اما جای یک مدل بومی و اسلامی که بتواند پاسخ‌گوی نیازهای جامعه ایرانی - اسلامی باشد، خالی است و پژوهش حاضر با این سؤال پژوهشی به میان آمده که: مؤلفه‌های مدل مفهومی عشق زناشویی بر اساس منابع اسلامی چیست؟

روش پژوهش

طرح پژوهش و پارادایم حاکم این پژوهش از نوع کیفی با رویکرد بنیادی - نظری است. به‌منظور پرهیز از تشتت روش‌شناختی و انتخاب یک چارچوب منسجم، تحلیل داده‌ها در ذیل پارادایم مادر «تحلیل کیفی متن»^۱ و به‌طور مشخص با روش «تحلیل مضمون» انجام شد. روش تحلیل مضمون بدان جهت انتخاب شد که متون دینی دارای لایه‌های معنایی و اشارات ضمنی اند که صرفاً با روش‌های متن‌پژوهی متعارف قابل دستیابی نیستند و در پژوهش‌های مشابه (بستان و بختیاری، ۱۳۹۰؛ پسندیده، ۱۳۹۱؛ روشنی، ۱۳۹۶) نیز همین ترکیب روش‌شناختی با موفقیت به‌کار گرفته شده

است. در این ساختار، بهره‌گیری از فنون «اجتهاد دینی» و «رویکرد استنتاجی»، نه به‌عنوان یک روش مستقل و موازی، بلکه به‌عنوان افق تفسیری پژوهشگر^۱ در مرحله فهم عمیق متن و استخراج مضامین اولیه به‌کار گرفته شد. همچنین از «قیاس منطقی» صرفاً در مرحله نهایی و برای صورت‌بندی نظری و انسجام‌بخشی به روابط میان مؤلفه‌های مدل مفهومی استفاده گردید.

جامعه، نمونه‌گیری و واحد تحلیل جامعه پژوهش شامل کلیه آیات قرآن کریم و روایات معتبر مرتبط با حوزه اخلاق، خانواده و تعاملات بین‌فردی بود. انتخاب آیات و روایات بر اساس روش «نمونه‌گیری هدفمند»^۲ (پتی، تامسون و استیو، ۲۰۱۲، به نقل از: مؤمنی‌راد، علی‌آبادی، فردانش و مزینی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۲) و با معیار «دستیابی به اشباع مفهومی»^۳ (گلسر و اشتراوس، ۱۹۶۷) صورت گرفت؛ بدین معنا که فرآیند انتخاب و تحلیل متون تا جایی ادامه یافت که تحلیل داده‌های جدید، منجر به خلق طبقه یا مضمون تازه‌ای در مدل نمی‌شد (در مجموع ۳۴ آیه و ۵۵ روایت تفسیری به‌عنوان داده‌های نهایی تحلیل شدند). معیارهای ورود داده‌ها به پژوهش عبارت بودند از:

۱. تصریح به واژگان کلیدی مرتبط با عشق زناشویی (نظیر مودت، رحمت، سکینه، لباس، قوامیت، کفویت، حُسن معاشرت و...)^۲؛ ۲. دلالت متن بر روابط بین‌فردی و اجتماعی (نه صرفاً رابطه فرد با خدا)^۳. قابلیت انطباق مفهومی با تعاملات زناشویی بر اساس تفاسیر معتبر. واحد تحلیل در این پژوهش، نه صرفاً واژگان، بلکه «گزاره‌های مفهومی» (نورعلیزاده، ۱۴۰۲، ص ۱۹۰ - ۱۹۶) استخراج‌شده از آیات و روایات است که حاوی دلالت‌های معنایی در باب فرآیند عشق‌ورزی زناشویی هستند.

داده‌های پژوهش حاضر بر اساس رویکرد کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری و گزینشی) که در روش تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) و نیز رویکرد نظام‌مند اشتراوس

1. Interpretive Stance

۲. نمونه‌گیری هدفمند به پژوهشگر امکان می‌دهد تا بر اساس معیارهای از پیش تعیین‌شده و مرتبط با مسئله پژوهش، غنی‌ترین و معنادارترین داده‌ها را برای تحلیل انتخاب کند

۳. «دستیابی به اشباع نظری» به‌عنوان ملاک توقف نمونه‌گیری، رویکردی است که در روش‌های کیفی مبتنی بر تحلیل مضمون، از اعتبار علمی برخوردار بوده و در پژوهش‌های مشابه با جامعه آماری متون دینی، مبنای تعیین حجم نمونه قرار گرفته است (براون و کلارک، ۲۰۰۶، ص ۸۵)

و کوربین (۱۹۹۸) بسط یافته است، گردآوری و تحلیل شده‌اند. در مرحله کدگذاری باز،^۱ با غوطه‌وری در آیات و روایات مرتبط با واژگان کلیدی عشق زناشویی (مودت، رحمت، سکینه، لباس، قوامیت، کفویت و حُسن معاشرت) و با بهره‌گیری از قاعده «دلالیت لفظی» در اصول فقه و رویکرد استنتاجی، واحدهای معنایی (گزاره‌های مفهومی) از ۳۴ آیه و ۵۵ روایت واجد شرایط سه‌گانه استخراج و برچسب‌گذاری شدند که حاصل آن شناسایی ۴۲۰ کد اولیه بود. این کدها، کوچک‌ترین واحدهای معنادار مرتبط با عشق زناشویی بودند که مستقیماً از دل متون استخراج شدند (براون و کلارک، ۲۰۰۶، ص ۸۸؛ اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸، ص ۱۰۱ - ۱۲۱).

در مرحله کدگذاری محوری،^۲ کدهای باز بر اساس شباهت‌ها، تفاوت‌ها و روابط معنایی معنایی کشف‌شده، در ۴۲ مفهوم و ۱۸ مقوله سازمان‌دهی شدند. در این مرحله، با بهره‌گیری از قاعده «سیاق» و «قرائن متصل و منفصل» در تفسیر متن، رابطه میان مفاهیم ذیل پنج بُعد کلان «زیرساختی، کنشی، تحکیم‌بخش، عاملیت اخلاقی و پیامدها» تبیین گردید و الگوی ارتباطی میان آنها (شرایط علی، زمینه‌ای، میانجی و پیامدی) ترسیم شد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸، ص ۱۲۳ - ۱۴۲؛ براون و کلارک، ۲۰۰۶، ص ۸۹).

در مرحله کدگذاری گزینشی،^۳ مقوله‌های محوری حول مفهوم مرکزی «عشق زناشویی» یکپارچه شده و مدل نهایی به‌صورت فرآیندی و نظام‌مند صورت‌بندی گردید. در این مرحله، با بهره‌گیری از قیاس منطقی، روابط لزوم و تلازم میان مؤلفه‌ها تعیین و در قالب الگویی متشکل از سه لایه اصلی (زیرساختی، کنشی و تحکیم‌بخش) و دو لایه فرعی (میانجی و پیامد) تدوین شد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸، ص ۱۴۳ - ۱۵۸؛ براون و کلارک، ۲۰۰۶، ص ۹۲ - ۹۳؛ نیز ر.ک: کرسول و پات، ۲۰۱۵، به نقل از: نوری و اکبرزاده، ۱۴۰۱).

در نهایت به‌منظور ارزیابی میزان اعتبار و اطمینان نتایج کیفی، از دو شاخص روایی محتوایی^۴ (CVI) و نسبت روایی محتوایی^۵ (CVR) بهره گرفته شد. با توجه به تعداد کارشناسان (۱۰ نفر)،^۶

1. Open Coding

2. Axial Coding

3. Selective Coding

4. Content Validity Index (CVI)

5. Content Validity Ratio (CVR)

۶. در مرحله روایی‌سنجی مدل، از نظر ۱۰ نفر از متخصصان حوزه خانواده درمانی اسلامی و روان‌شناسی اسلامی استفاده شد.

این افراد شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، مدیران مراکز مشاوره و متخصصان برجسته زوج‌درمانی ←

حداقل مقدار قابل قبول این شاخص ۶۲/۰ تعیین شد. از خبرگان خواسته شد میزان «ضرورت» (CVR)، و «ارتباط» (CVI) هریک از مضامین را با توجه به سؤال پژوهش ارزیابی کنند. لازم به ذکر است که تأکید دآوری خبرگان نه بر اعتبار ذاتی مفاهیم و حیانی، بلکه بر «کفایت تحلیلی پژوهشگر»، «انسجام تفسیری» و «عدم تحمیل پیش فرض های غیربرخاسته از متن» در صورت بندی مضامین بود. به عبارت دیگر، شاخص CVR صرفاً برای ارزیابی میزان تناسب مضامین استخراج شده با هدف پژوهش استفاده شد.

یافته های پژوهش

به منظور استخراج نظام مند مؤلفه های عشق زناشویی از منابع اسلامی، با بهره گیری از قاعده «دلالت لفظی» در روش معناشناسی زبانی (شجاعی، ۱۳۹۹) و روش مفهوم شناسی واژگان روان شناختی در منابع اسلامی (نورعلیزاده، ۱۴۰۲)، واژگان کلیدی مرتبط با هریک از این سه مؤلفه از بطن آیات و روایات استخراج گردید و با مراجعه به منابع معتبر لغوی عربی دلالت معنایی هر واژه با مؤلفه متناظر، مستندسازی شد. جدول ذیل، ارتباط مفهومی میان واژگان قرآنی انتخاب شده و مؤلفه های سه گانه استرنبرگ را به همراه تعریف لغوی هر واژه نشان می دهد.



۱۷۷

جدول ۱: انتخاب واژگان کلیدی بر اساس تطابق با مؤلفه های عشق زناشویی (استرنبرگ)	
واژگان کلیدی انتخاب شده	تعریف لغوی واژه (بر اساس کتب لغت)
مودت، رحمت، سکینه، اطمینان، حُسن معاشرت	مودت: دوستی خالص و محبت پایدار که با ابراز و کنش همراه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق) رحمت: دلسوزی، مهربانی و گذشت ايثارگرانه در هنگام خطا یا ضعف دیگری (ابن منظور، ۱۴۲۲ق)
لباس، ازواج، رجل، امرأه، اب، ام	سکینه: آرامش قلبی و فروکش کردن اضطراب در پناه دیگری (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق) اطمینان: حالتی از ثبات روانی و اعتماد به دیگری (ابن فارس، ۱۴۰۴ق) لباس: پوشش و محافظتی که هم زینت بخش است و هم عیب پوش (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق). استعاره لباس در قرآن به رابطه ای جنسی - حمایتی اشاره دارد که فراتر از یک غریزه زودگذر، کارکرد عیب پوشی و صیانت دارد
میثاق غلیظ، قوام، حکم، قانت، عاشروهن بالمعروف	ازواج/زوج: به معنای قرین و همسر که با دیگری جفت می شود (ابن منظور، ۱۴۲۲ق) میثاق غلیظ: پیمانی استوار و محکم که خداوند شاهد و ناظر آن است و از تعهدی فراتر از یک تصمیم شناختی متزلزل حکایت دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)

→ با رویکرد اسلامی بودند که بین ۱۰ تا ۲۵ سال سابقه حرفه ای در حوزه پژوهش، آموزش و درمان زوجین داشتند. وابستگی سازمانی آنان شامل مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، دانشگاه معارف، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، جامعه المصطفی العالمیه و مرکز مشاوره حوزه علمیه کشور بود.

قوام: تکیه‌گاه و حمایت‌کننده‌ای که مسئولیت مدیریت و پایداری رابطه را بر عهده دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق)
 حُسن معاشرت: رفتارهای پایدار و اخلاقی فراتر از وظایف فقهی که نشان‌دهنده تعهد عملی در زندگی مشترک است (ابن منظور، ۱۴۲۲ق)

در این پژوهش، با جست‌وجوی هدفمند واژگان کلیدی مطرح‌شده در متون قرآنی و روایی معتبر، تعداد ۴۲۰ کد اولیه مرتبط با مؤلفه‌های عشق زناشویی شناسایی شد. فرایند تحلیل داده‌ها با کدگذاری باز آغاز گردید که طی آن مفاهیم و ابعاد اولیه از دل متون استخراج و دسته‌بندی شدند؛ سپس در مرحله کدگذاری محوری، روابط میان مفاهیم در قالب شرایط زیرساختی، مؤلفه‌های کنشی، سازوکارهای میانجی و پیامدها تعیین شد؛ و نهایتاً در کدگذاری گزینشی، نظریه حول مقوله مرکزی «عشق زناشویی» شکل گرفت. حاصل این فرایند، سازمان‌دهی ۴۲۰ کد باز در قالب ۴۲ مفهوم، ۱۸ مقوله و ۵ بُعد کلان بود که ساختار نهایی مدل مفهومی را تشکیل دادند.

جهت شفاف‌سازی فرایند تبدیل داده‌های متنی آموزه‌های اسلامی به مقولات نظری، یک نمونه از مسیر تحلیل ارائه می‌شود: برای مثال، آیه شریفه «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷) به‌عنوان یکی از واحدهای تحلیل کلیدی مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله کدگذاری باز، گزاره‌هایی نظیر «محافظت از آسیب‌های اخلاقی»، «زینت‌بخشی متقابل»، «عیب‌پوشی عاطفی» و «نزدیکی و صمیمیت جسمانی» استخراج شد. این کدها در مرحله کدگذاری محوری ذیل مفهوم «کارکرد پوششگری صمیمانه» سامان‌دهی شدند. در نهایت، با توجه به جایگاه اجرایی این مفهوم در تعاملات روزمره، ذیل مقوله کلان «پشتیبانی عاطفی - جنسی» و بُعد «مؤلفه‌های کنشی» در مدل مفهومی جای گرفت.

جدول ۲: کدگذاری سه‌مرحله‌ای مؤلفه‌های عشق زناشویی بر اساس منابع اسلامی

کدهای باز (مفاهیم اولیه استخراج‌شده از متون)	کدهای محوری (مفاهیم سازمان‌یافته)	کدهای گزینشی (مقولات کلان و ابعاد)
همسویی در جهان‌بینی و ارزش‌ها، اشتراک در باورهای دینی، تقوا و پرهیزگاری مشترک، سختیت اخلاقی	کفویت ایمانی	مؤلفه‌های زیرساختی ^۱ (پیش‌فرآیندی)
تعهد به پیمان الهی، نگاه قدسی به ازدواج، وفای به عهد، التزام به میثاق غلیظ	میثاق غلیظ	
مدیریت حمایتی مرد، تکیه‌گاه عاطفی بودن، مسئولیت‌پذیری مالی، سرپرستی مبتنی بر مشورت	قوامیت حمایتی	

۱. شرایط پایدار اعتقادی، شخصیتی و حقوقی که بستر و ظرفیت لازم برای جوانه زدن عشق را فراهم می‌کنند

کدهای باز (مفاهیم اولیه استخراج شده از متون)	کدهای محوری (مفاهیم سازمان یافته)	کدهای گزینشی (مقولات کلان و ابعاد)
رشد عقلی و جسمی، بلوغ فکری، آمادگی روانی برای ازدواج، توانایی پذیرش مسئولیت	صلاحیت های نمودی	
تفسیر مثبت از رفتار همسر، پرهیز از بدبینی، نیت پاک انگاری، حسن نیت	حُسن ظن و مثبت نگری	مؤلفه های کنشی ^۱ (فرآیند اصلی)
ابراز محبت کلامی و غیر کلامی، اظهار عشق زبانی، ابراز مهرورزی، محبت فعالانه	ابراز مودت	
ایجاد آرامش در خانه، پناهگاه عاطفی بودن، کاهش اضطراب، سکینه بخشی به همسر	سکینه عاطفی	
صمیمیت جنسی، عیب پوشی متقابل، زینت بخشی به یکدیگر، محافظت از آسیب های اخلاقی	استعاره لباس (صمیمیت جنسی - حمایتی)	
برخورد نیکو و انسانی، معاشرت زیبا، خوش خلقی با همسر، رفتار فراتر از وظایف فقهی	حُسن معاشرت	
بذل و بخشش مالی، اولویت دادن به رفاه خانواده، تلاش برای گشایش در زندگی	ایثار و انفاق عاطفی	
انحصار لذت ها در خانواده، حفظ اسرار، وفاداری جنسی و عاطفی، غیرت و رزی	وفاداری و مرزبندی	
دلسوزی در زمان ضعف، مهربانی ایثارگرانه، همدردی در بحران ها، رقت قلب	رحمت و رقت قلب	مؤلفه های تحکیم بخش ^۲ (ترمیمی)
بخشش بدون ملامت، پوشاندن زشتی ها، گذشت از خطا، نادیده گیری اشتباهات	عفو و صفح	
میانجیگری در تعارضات، حل اختلاف، مدارا در بحران ها، مدیریت نشوز و شقاق	مدارای اصلاحی و حل تعارض	
قدرشناسی از زحمات همسر، شکرگزاری، دیدن زیبایی ها، ابراز سپاس	سپاسگزاری و قدرشناسی	
انتخاب آگاهانه خیر، ترجیح رضایت الهی بر هوای نفس، تصمیم گیری اخلاقی	انتخاب آگاهانه خیر	عاملیت اخلاقی ^۳ (سازوکار میانجی)
مدیریت خشم، کنترل تکان ها، فروخوردن خشم، ضبط نفس در بحران ها	صبر و خودمهارگری	
ترجیح دیگری بر خود، گذشت بدون چشم داشت، ایثار	ایثار عاطفی	

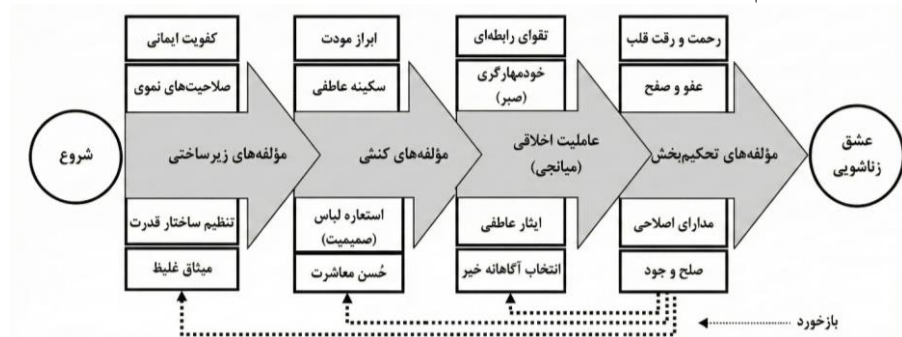


۱۷۹

۱. رفتارهای هدفمند و ابرازهای عینی (کلامی و غیرکلامی) که ماهیت پویای عشق را در لحظه زندگی زوجین محقق می سازند
۲. سازوکارهای اخلاقی و رفتاری که در مواجهه با چالش ها و فرسایش های زمانی، از گسست پیوند جلوگیری کرده و عشق را بازسازی می کنند
۳. سازوکارهای اخلاقی و رفتاری که در مواجهه با چالش ها و فرسایش های زمانی، از گسست پیوند جلوگیری کرده و عشق را بازسازی می کنند

کدهای باز (مفاهیم اولیه استخراج شده از متون)	کدهای محوری (مفاهیم سازمان یافته)	کدهای گزینشی (مقولات کلان و ابعاد)
عاطفی، فداکاری	التزام قلبی به میثاق، پابندی به عهد در سختی‌ها، تداوم	تعهد درونی و پابندی
	تعهد پس از فروکش هیجانات	
	زندگی پاکیزه و معنادار، آرامش پایدار، رضایت از زندگی،	حیات طیبه
	بهباشی روانی	پیامدها ^۱ (پس‌فرآیندی)
	تکمیل دین، ارتقای درجات معنوی، رشد شخصیتی، تعالی	رشد کمالی و معنوی
	اخلاقی	
	امنیت روانی فرزندان، رشد عاطفی سالم، تربیت نسلی	سلامت نسلی و روان‌درستی
	متعادل، شفقت نسلی	فرزندان
	استواری پیوند، کاهش طلاق، بنیان مرصوص خانواده،	استواری و بقای پیوند
	پایداری در بحران‌ها	

در تبیین این مدل، باید توجه داشت که «مؤلفه‌های زیرساختی» (مانند کفویت در ایمان) همچون ریشه، امکان تغذیه عاطفی را فراهم می‌کنند، اما این «مؤلفه‌های کنشی» (مانند ابراز مودت و صمیمیت لباس گونه) هستند که ساقه و برگ‌های عشق را پدید می‌آورند. در نهایت، «مؤلفه‌های تحکیم‌بخش» (مانند رحمت و گذشت) به مثابه حصاری در برابر تندبادهای تعارض عمل کرده و استمرار این پیوند قدسی را تضمین می‌نمایند. سپس تحلیل محتوای کیفی داده‌ها منجر به شناسایی سه دسته مؤلفه اصلی و دو مؤلفه فرعی گردید که بدنه اصلی مدل مفهومی عشق زناشویی در اسلام را تشکیل می‌دهند.



شکل ۱: مدل مفهومی عشق زناشویی بر اساس منابع اسلامی

شکل (۱)، «مدل مفهومی عشق زناشویی در منابع اسلامی» را به صورت یک فرایند پویا، مرحله‌ای و

۱. ثمرات و نتایج وضعی و تکلیفی که پس از استقرار مدل صحیح عشق در کانون خانواده حاصل می‌شود

بازخوردی ترسیم می‌کند که شکل‌گیری، رشد و پایداری عشق زناشویی را حاصل تعامل چهار دسته مؤلفه می‌داند: در نخستین مرحله، مؤلفه‌های زیرساختی شامل کفویت ایمانی، صلاحیت‌های نمودی، تنظیم ساختار قدرت و میثاق غلیظ، بسترهای اعتقادی، شخصیتی و ساختاری لازم را برای ایجاد یک رابطه سالم فراهم می‌کنند؛ در مرحله دوم، مؤلفه‌های کنشی نظیر ابراز مودت، سکینه عاطفی، استتار لباس (صمیمیت) و حسن معاشرت، از طریق رفتارهای روزمره و تعاملات مثبت، پیوند عاطفی زوجین را تقویت می‌کنند؛ سپس، عاملیت اخلاقی (میانجی) با تکیه بر مؤلفه‌هایی همچون تقوای رابطه‌ای، خویش‌داری (صبر)، ایثار عاطفی و انتخاب آگاهانه خیر، نقش میانجی در تبدیل تعاملات رفتاری به دلبستگی عمیق و پایدار ایفا می‌کند؛ در نهایت، مؤلفه‌های تحکیم‌بخش شامل رحمت و رقت قلب، عفو و صفح، مداراگری اصلاحی و صلح و ود، موجب تثبیت، ترمیم و تداوم عشق زناشویی در مواجهه با تعارض‌ها و چالش‌های زندگی مشترک می‌شوند. همچنین وجود چرخه بازخورد در مدل نشان می‌دهد که پیامدهای حاصل از هر مرحله می‌توانند به بازتقویت و اصلاح مراحل پیشین بینجامند. ازاین‌رو عشق زناشویی در نگاه اسلامی نه یک احساس گذرا، بلکه فرایندی تکاملی، اخلاق‌محور و پویاست که در پرتو باورهای دینی، کنش‌های محبت‌آمیز و فضایل اخلاقی به بلوغ و پایداری می‌رسد.

یافته‌های حاصل از روایی‌سنجی مؤلفه‌های استخراج‌شده توسط ارزیابان خبرگانی ۱۰ نفره ۱۸۱ به شرح ذیل است:

جدول ۳: ارزیابی روایی محتوایی مؤلفه‌های عشق زناشویی در منابع اسلامی توسط خبرگان

ردیف	بُعد کلان	مقولات محوری و زیرمؤلفه‌ها	شاخص مطابقت (CVI)	شاخص ضرورت (CVR)	نتیجه ارزیابی
۱	مؤلفه‌های زیرساختی	کفویت ایمانی، صلاحیت‌های نمودی، تنظیم ساختار قدرت، میثاق غلیظ	۹۶/۰	۹۴/۰	تأیید نهایی
۲	مؤلفه‌های کنشی	ابراز مودت، سکینه عاطفی، استعاره لباس (صمیمیت)، حُسن معاشرت	۹۸/۰	۹۷/۰	تأیید نهایی
۳	عاملیت اخلاقی (میانجی)	تقوای رابطه‌ای، خودمهارگری (صبر)، ایثار عاطفی، انتخاب آگاهانه خیر	۹۴/۰	۹۲/۰	تأیید نهایی
۴	مؤلفه‌های تحکیم‌بخش	رحمت و رقت قلب، عفو و صفح، مدارا اصلاحی، صلح و وجود	۹۷/۰	۹۵/۰	تأیید نهایی
۵	پیامدها (ثمرات)	حیات طیبه، رشد معنوی، سلامت نسلی، استواری پیوند	۹۵/۰	۹۳/۰	تأیید نهایی

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل مفهومی «عشق زناشویی» بر اساس منابع اصیل اسلامی (قرآن و سنت) انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که عشق در منظومه فکری اسلام، برخلاف الگوهای سکولار که عمدتاً بر «کشش‌های تکانه‌ای» یا «قراردادهای اجتماعی» متمرکز هستند، یک نظام چندلایه و غایت‌مند است. برای تبیین ارتباط مفهومی میان مقوله‌ها و پنج بعد مدل با عشق زناشویی، مفهوم اسلامی «حیات طیبه»^۱ (زندگی پاکیزه و معنادار) به‌عنوان غایت و جوهره عشق زناشویی در نظر گرفته می‌شود. مدل نهایی عشق زناشویی در منابع اسلامی در پنج سطح کلان (زیرساختی، کنشی، تحکیم‌بخش، سازوکار میانجی و پیامدها) تبیین شد که در ادامه به تحلیل ابعاد آن می‌پردازیم.

نتایج نشان داد مؤلفه‌های زیرساختی، بنیادها و پیش‌نیازهای ضروری برای شکل‌گیری یک پیوند عاشقانه و پایدار هستند که بدون این زیرساخت‌ها، بنای عشق لرزان و آسیب‌پذیر خواهد بود. این بُعد شامل چهار مقوله کلیدی است: کفویت ایمانی که بر اساس تعبیر «مردان پاکیزه برای زنان پاکیزه و مردان ناپاک برای زنان ناپاک»^۲ (نور: ۲۶) و حدیث «کفویت و همتایی عبارت از آن است که همسر پاک‌دامن و باحیا و متمکن باشد»^۳ (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج ۵، ص ۳۲)، همسویی در جهان‌بینی و ارزش‌ها را تبیین می‌کند که منجر به «حیات طیبه» مشترک می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۵، ص ۲۱۱)؛ میثاق غلیظ که بر اساس آیه «از شما [به‌وسیله قرارداد ازدواج] پیمانی محکم گرفته‌اند»^۴ (نساء: ۲۱)، ازدواج را نه یک قرارداد تجاری، بلکه پیمانی مقدس و ایزدی معرفی می‌کند که خداوند شاهد و ناظر آن است (پسندیده، ۱۳۹۱؛ بستان و بختیاری، ۱۳۹۰)؛ قوامیت حمایتی که بر اساس آیه «مردان بر زنان سرپرستی دارند»^۵ (نساء: ۳۴)، مدیریت مرد را نه به معنای استبداد، بلکه به‌مثابه تکیه‌گاه عاطفی و اجرایی زن تبیین می‌کند (فخر رازی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۲۱۵) و با روایت «جهاد زن همسررداری نیکوست»^۶ (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج ۵، ص ۲۱) تکمیل می‌شود؛ و صلاحیت‌های نمودی که بر اساس آیه «تا هنگامی که به بلوغ برسد»^۷ (احقاف: ۱۵) و روایت «قدرت جنسی شرط ازدواج

۱. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

۲. «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ... وَالْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ» ۳. «الْكُفُوَانُ يَكُونُ غَفِيماً وَعِنْدَهُ يَسَارٌ»

۴. «وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا»

۵. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» ۶. «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ»

۷. «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ»

است»^۱ (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج ۵، ص ۲۵)، بر آمادگی جسمی و روانی برای پذیرش مسئولیت دیگری تأکید دارد (نورعلیزاده، ۱۴۰۲). به عبارت دیگر، این لایه، بستر و ظرفیت لازم برای جوانه زدن عشق را فراهم می‌کند و همچون ریشه‌ای است که امکان تغذیه عاطفی پایدار را میسر می‌سازد. این بخش از یافته‌ها، با پژوهش نعمتی (۱۳۹۸) در عوامل آرامش‌زا و آرامش‌زدای خانواده و ترکاشوند (۱۳۹۹) در مؤلفه افزایش رضایت زناشویی همسو است.

مؤلفه‌های کنشی، لایه عملیاتی و پویای عشق هستند که شامل رفتارهای روزمره و ابرازهای عینی (کلامی و غیرکلامی) می‌شوند و حرارت عشق را در خانواده حفظ می‌کنند. این بُعد در سه سطح شناختی، عاطفی و رفتاری دسته‌بندی می‌شود. در سطح شناختی، «حُسن ظن و مثبت‌نگری» بر اساس آیه «از ظن بپرهیزید»^۲ (حجرات: ۱۲) و حدیث «همانا کامل‌ترین مؤمنان از نظر ایمان، خوش‌اخلاق‌ترین آنان است»^۳ (مجلسی، ۱۳۸۵، ج ۶۸، ص ۲۱۵)، تفسیر مثبت از رفتارهای همسر و پرهیز از قضاوت‌های بدبینانه را تبیین می‌کند (قهاری، ۱۳۹۵). در سطح عاطفی، «ابراز مودت» بر اساس آیه «بین شما مودت و رحمت جاری کرد»^۴ (روم: ۲۱) و روایت «ابراز محبت کلامی مرد به زن از قلبش بیرون نمی‌رود»^۵ (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج ۵، ص ۲۹)، عشق را یک فعل ابرازشده معرفی می‌کند و «سکینه و آرامش‌بخشی» بر اساس آیه «آرامش حاصل از ازدواج»^۶ (روم: ۲۱)، تبدیل خانه به پناهگاه عاطفی را ترسیم می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱۶، ص ۲۲). در سطح عاطفی - جنسی، «استعاره لباس» بر اساس آیه «لباس بودن زن و مرد برای یکدیگر»^۷ (بقره: ۱۸۷)، صمیمیت جنسی عمیق را همراه با عیب‌پوشی و زینت‌بخشی متقابل تبیین می‌کند، و در سطح رفتاری، «حُسن معاشرت» بر اساس آیه «مباشرت به معروف»^۸ (نساء: ۱۹) و روایت «برترین شما، برترینش برای خانواده‌اش است»^۹ (صدوق، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۲)، رفتاری فراتر از وظایف فقهی و «ایثار و انفاق عاطفی» بر اساس آیه «مردان وظایف تأمین نفقه زنان را بر عهده دارند»^{۱۰} (نساء: ۳۴) و روایت

۱. «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصَرِ وَأَحْصَنِ لِلْفَرْجِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَلْيُذِمِّنِ الصَّوْمَ فَإِنَّ [الصَّوْمَ] لَهُ وَجَاءٌ»

۲. «اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»

۳. «كَمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَأَطْفَهُمْ بِأَهْلِهِ»

۴. «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»

۵. «لِيَسْكُنُوا إِلَيْهَا»

۶. «وَعَايِرُوهُمْ بِالْمَعْرُوفِ»

۷. «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»

۸. «وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»

۹. «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ»

«کسی که به نیکی با اهل خانه رفتار نماید، عمرش فزون گردد»^۱ (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج ۲، ص ۷۱)، اولویت دادن به رفاه خانواده را ترسیم می‌نماید (شماخته و صفورایی، ۱۴۰۴). این مؤلفه‌ها، ساقه و برگ‌های عشق را پدید می‌آورند و ماهیت پویای عشق را در لحظه زندگی زوجین محقق می‌سازند (ترکاشوند، ۱۳۹۹). این بخش از یافته‌ها، با پژوهش شماخته و صفورایی (۱۴۰۴) در شاخصه‌های امنیت عاطفی خانواده و سالاری‌فر، شماخته، فروزش و شریف یزدی (۱۴۰۵) در کارکردهای هیجانی مثبت در روابط زوجین همسو است.

مؤلفه‌های تحکیم‌بخش، نقش «نگهدارنده» و «ترمیم‌کننده» را در فرآیند عشق زناشویی ایفا می‌کنند؛ به گونه‌ای که زمانی که تعارض ایجاد می‌شود یا عشق رو به سردی می‌گراید، این عوامل از گسست پیوند جلوگیری کرده و عشق را بازسازی می‌نمایند. این بُعد شامل چهار مؤلفه محوری است: رحمت و رقت قلب که بر اساس آیه «بین شما مودت و رحمت قرار داد»^۲ (روم: ۲۱) و تفسیر طباطبایی (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۱) که رحمت را مکمل مودت در زمان نقص می‌داند (جدیری، ۱۳۸۷، ص ۱۰ - ۱۳)، دلسوزی برای همسر در زمان ضعف، بیماری یا خطا را تبیین می‌کند (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۷۸)؛ عفو و صفح که بر اساس آیه «بخشودگی نزدیک‌تر است به تقوا»^۳ (بقره: ۲۳۷) و «ببخش، بخششی زیبا»^۴ (حجر: ۸۵) و روایت «بر بدخلقی او چشم ببوش»^۵ (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج ۵، ص ۳۱)، بخشش بدون ملامت و پوشاندن زشتی‌ها را برای جلوگیری از کینه تبیین می‌کند (شماخته، صادقی سرشت و مصلحی، ۱۴۰۵)؛ مدارای اصلاحی و حل تعارض که بر اساس آیه «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» (نساء: ۱۲۸) و «از اهل هر دو حکم‌گزینی کنید»^۶ (نساء: ۳۵) و روایت «مدارا با مردم، نیمی از ایمان باشد»^۷ (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج ۲، ص ۷۷)، استفاده از حکمت و میانجیگری برای بازگرداندن صلح را ترسیم می‌نماید (هدایت‌نیا، ۱۳۹۵، ص ۱۵ - ۱۹)؛ و سپاسگزاری و قدرشناسی که بر اساس آیه «شکر نعمت، نعمت را افزون کند»^۸ (ابراهیم: ۷) و روایت «کسی که سپاسگزار خلق نباشد، سپاسگزار پروردگار هم نخواهد بود»^۹ (حر عاملی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۰۵)، دیدن زیبایی‌ها و زحمات

۱. «من حُسن بره باهله، زاد الله فی عمره»

۳. «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»

۵. «إِصْفَحْ عَنْ سُوءِ خُلُقِهَا»

۷. «مُذَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ»

۹. «لَا يَشْكُرُ اللَّهَ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ»

۲. «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»

۴. «فَاَصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ»

۶. «فَانْعَمُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا»

۸. «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»

همسر و ابراز تشکر را تبیین می‌کند (نورعلیزاده، ۱۴۰۲). این مؤلفه‌ها به مثابه حصارى در برابر تندبادهای تعارض عمل کرده و استمرار پیوند قدسى را تضمین می‌نمایند (روشنی، ۱۳۹۶). این بخش از یافته‌ها نیز با پژوهش ترکاشوند (۱۳۹۹) در شاخصه‌های اخلاق زناشویی مبتنى بر اسلام و پژوهش زارعی توپخانه (۱۴۰۲) در عوامل ترمیم‌کننده تنش‌های ناشی از تعارضات‌های زوجین و پیشگیری از پیمان‌شکنی همسو است.

عاملیت اخلاقی، موتور محرک و تصفیه‌گر عواطف در فرآیند عشق زناشویی است که در رأس آن «تقوا» قرار دارد و باعث می‌شود عشق از یک میل غریزی و ناپایدار، به یک «تعهد آگاهانه و ماندگار» تبدیل شود. این یافته با نتایج تحقیق صادقی (۱۳۹۲) همسو است. صادقی با بررسی میدانی عوامل تعهد زناشویی به مؤلفه‌های مختلفی دست پیدا کرده است، از جمله اذعان داشته که تقوا و تعهد دینی مهم‌ترین ضامن سلامت عاطفی خانواده و تحکیم‌کننده تعهد زناشویی است (صادقی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸). این سازوکار میانجی، هیجانات خام را به رفتارهای اخلاقی پایدار تبدیل

می‌کند و شامل چهار مؤلفه محوری است: انتخاب آگاهانه خیر که بر اساس آیه «حکمت خیر کثیر است»^۱ (بقره: ۲۶۹) و «ضرورت رعایت تقوا تا حد توان»^۲ (تغابن: ۱۶)، توانایی ترجیح دادن رضایت الهی و خیر زندگی مشترک بر هوای نفس در لحظات بحرانی را تبیین می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۱۱)؛ صبر و خودمهارگری که بر اساس آیه «کظم غیظ»^۳ (آل عمران: ۱۳۴) و روایت امام علی (ع) «الْصَّبْرُ عَوْنٌ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ» (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج ۲، ص ۸۱)، مدیریت تکانه‌های خشم و کنترل هیجانات منفی را برای جلوگیری از تخریب ساختار عشق ترسیم می‌کند (پسندیده، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷؛ شماخته و صفورایی، ۱۴۰۴، ص ۹۸)؛ ایثار عاطفی که بر اساس آیه «دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند؛ گرچه خودشان نیازمند باشند»^۴ (حشر: ۹) و روایت امام صادق (ع) «نهایت معروف به ایثار است»^۵ (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج ۲، ص ۷۸)، ظرفیت گذشت از خواسته خود به نفع همسر را بدون چشم‌داشت تبیین می‌کند (سالاری‌فر، ۱۳۹۵)؛ و تعهد درونی و پایبندی که بر اساس آیه «وفای عهد»^۶ (اسراء: ۳۴) و «رعایت امانت»^۷ (مؤمنون: ۸)، التزام قلبی به میثاق زناشویی را حتی در زمان

۱. «وَمَنْ يُؤْتَ حِكْمَةً فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»

۲. «وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ»

۳. «لَا تَتِمَّ الْمَعْرُوفُ إِلَّا بِثَلَاثَةٍ... وَابْتِئَانِ الْحَقِّ»

۴. «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»

۵. «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ»

۶. «وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»

۷. «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا»

فروکش کردن هیجانات اولیه، ترسیم می‌نماید (شماخته، صادقی سرشت و مصلحی، ۱۴۰۵). بدون «صبر» و «ایثار»، عشق در اولین تعارض‌ها فرو می‌پاشد، اما وقتی زوجین از سازوکار میانجی تقوا استفاده می‌کنند، هیجان‌های ناپایدار به «مودت مستمر» تبدیل می‌شود (مصلحی، صفورایی، تقیان و مسترحمی، ۱۴۰۴). این بخش از پژوهش نیز با یافته‌های مصلحی و صفورایی، تقیان و مسترحمی (۱۴۰۴) در عوامل معنویت در خانواده و با یافته‌های نوری و اکبرزاده (۱۴۰۱) در عوامل خوش‌بینی همسرن همسو است.

پیامدها، نشان‌دهنده خروجی نهایی استقرار مدل صحیح عشق اسلامی در خانواده هستند که تنها محدود به دنیای مادی نیست و ابعاد معنوی و نسلی را نیز دربر می‌گیرد. این بُعد شامل چهار مؤلفه محوری است: حیات طیبه که بر اساس آیه «حیات طیبه»^۱ (نحل: ۹۷) و تفسیر علامه طباطبایی که حیات طیبه را زندگی با سکینه و رضایت معنا می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۲۰۵)، رسیدن به یک زندگی پاکیزه، آرام و با معنا را تبیین می‌نماید که فراتر از لذت‌های گذراست (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۶۵)؛ رشد کمالی و معنوی زوجین که بر اساس روایت پیامبر ﷺ: «ازواج، مکمل ایمان است»^۲ (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج ۵، ص ۴۲) و آیه «خانواده نور چشم ماست»^۳ (فرقان: ۷۴)، ازدواج را به عنوان بستری برای تکمیل دین و ارتقای درجات معنوی طرفین معرفی می‌کند؛ چنان‌که در پژوهش‌های پیشین مطرح شده بود (پسندیده، ۱۳۹۱؛ بستان و بختیاری، ۱۳۹۰)؛ سلامت نسلی و روان‌درستی فرزندان که بر اساس آیه «ما پیش‌تر [در دنیا] در میان خانواده خود [از عذاب امروز] ترسان بودیم»^۴ (طور: ۲۶) و آیه «وقایت از خانواده»^۵ (تحریم: ۶) و احادیث حقوق فرزندان بر گردن والدین^۶ (نیشابوری، ۱۴۲۱ق، ص ۲۶)، ایجاد محیطی امن برای رشد عاطفی فرزندان را در پرتو عشق والدین تبیین می‌کند؛ چنان‌که در پژوهش‌های پیشین اشاره شده بود (شماخته و صفورایی، ۱۴۰۴)؛ و استواری و بقای پیوند که بر اساس آیه «بنیان مرصوص»^۷ (صف: ۴) و روایت «ازدواج بهترین بنا در نگاه خداوند»^۸ (کلینی، ۱۴۳۲ق، ج ۵، ص ۷۱)، کاهش آمار طلاق و تنش‌های مزمن و تبدیل خانواده به یک دژ نفوذناپذیر را ترسیم می‌نماید (سالاری فر، هراتیان، داوری و فروزش، ۱۴۰۱). ثمره این فرآیند آن

۱. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا... وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» ۲. «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ اكْتَمَلَ نِصْفَ إِيْمَانِهِ»

۳. «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا... قُرَّةَ أَعْيُنٍ» ۴. «إِنَّا كُنَّا قَبْلَ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ»

۵. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غُلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»

۶. «إِنَّ لِرَبِّكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَإِنْ لِنَفْسِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَلِأَهْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، فَأَعْطِ كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ»

۷. «كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرصوصٌ» ۸. «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ التَّزْوِيجِ»

است که خانواده از یک نهاد صرفاً قراردادی، به فضای «حیات طیبه» ارتقا می‌یابد (صفورایی، ۱۳۸۸) و نه تنها زوجین به آرامش و رشد می‌رسند، بلکه این امنیت عاطفی به نسل بعد (فرزندان) نیز سرایت کرده و سلامت روان جامعه را تضمین می‌کند (سالاری‌فر، شماخته، شریف یزدی و فروزش، ۱۴۰۵). این بخش از پژوهش نیز با یافته‌های صفورایی و هوشیاری و جزایری و تقیان (۱۴۰۱) در شاخصه‌های عاطفی کارآمدی خانواده و پژوهش رحیمی و همکاران (۱۴۰۴) در پیامدهای نتایج غنی‌سازی روابط همسران، همسو است.

این پژوهش با وجود ارائه مدلی جامع از عشق زناشویی بر اساس منابع اسلامی، با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. ماهیت کیفی پژوهش و اتکای آن بر تحلیل متون دینی، امکان تعمیم‌پذیری آماری یافته‌ها را محدود ساخته است و اعتبار نتایج صرفاً مبتنی بر اشباع مفهومی و تأیید خبرگان می‌باشد؛ همچنین تفسیر متون دینی همواره با ذهنیت‌گرایی پژوهشگر همراه است و اگرچه برای کاهش آن از شاخص‌های روایی محتوا استفاده شد، اما امکان خطاهای تفسیری کاملاً

منتفی نیست. جامعه پژوهش به آیات و روایات معتبر مرتبط با اخلاق، خانواده و تعاملات بین‌فردی محدود گردید و از منابع درجه پایین‌تر صرفاً به‌عنوان مؤید استفاده شد که ممکن است برخی مفاهیم موجود در آن منابع در مدل لحاظ نشده باشند. محدودیت‌های زمانی و مالی نیز امکان بررسی جامع‌تر متون را محدود ساخت. مهم‌ترین محدودیت آنکه مدل ارائه‌شده صرفاً مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای تدوین شده و با نمونه‌های تجربی زوجین آزمون نشده است؛ ازاین‌رو توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی با روش‌های کمی، اعتبار بیرونی مدل سنجیده شده و پرسش‌نامه‌ای استاندارد بر اساس ابعاد پنج‌گانه آن تدوین گردد.

در نهایت مؤلفه‌های «عشق زناشویی در منابع اسلامی» نشان می‌دهد که عشق در اسلام یک پدیده تصادفی یا صرفاً غریزی نیست، بلکه فرآیندی است که بر زیرساخت ایمان و تعهد استوار است، با کنش‌های مودت‌آمیز و صمیمیت لباس‌گونه تغذیه می‌شود، توسط عاملیت اخلاقی (تقوا و صبر) مدیریت می‌گردد، و با ابزار رحمت و گذشت در برابر آسیب‌ها بیمه می‌شود.

این مدل می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب عملیاتی در مراکز مشاوره خانواده و کلینیک‌های زوج‌درمانی مورد استفاده قرار گیرد. مشاوران می‌توانند به‌جای تمرکز صرف بر فنون ارتباطی، بر تقویت «زیرساخت‌های اعتقادی» و «عاملیت اخلاقی» زوجین تأکید کنند تا عشقی پایدار و فرابخشی حاصل

شود. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی، پرسش‌نامه‌ای استاندارد بر اساس این پنج بُعد تدوین و اعتباربخشی شود تا امکان سنجش کمی عشق زناشویی با نگاه اسلامی فراهم گردد.

منابع

قرآن کریم.

ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. مصحح: عبدالسلام محمد هارون. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۲۲ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. قم: مرتضوی.
مؤمنی‌راد، اکبر؛ علی‌آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم و مزینی، ناصر (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش؛ ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج. اندازه‌گیری تربیتی، ۴(۱۴)، ۱۸۷ - ۲۲۲.

بستان، حسین و بختیاری محمدعزیز (۱۳۹۰). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

پسندیده، عباس (۱۳۹۱). رضایت زناشویی. قم: دار الحدیث.
ترکاشوند، جواد (۱۳۹۹). بسته آموزشی اخلاق زناشویی بر اساس منابع اسلامی و امکان‌سنجی آن در کاهش تعارضات زناشویی. رساله دکتری. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۹۵). نگاهی نو به تفسیر نشوز زوجه در قرآن. قرآن، فقه و حقوق اسلامی، ۴(۴)، ۷ - ۳۴.

جدیری، جعفر (۱۳۸۷). بررسی رابطه رضامندی زناشویی بر اساس معیارهای دینی با ثبات هیجانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق). وسائل الشیعه. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
رحیمی، عماد؛ فقیهی، علی‌نقی و انتصاری، احمد (۱۴۰۴). تدوین مدل مفهومی غنی‌سازی روابط همسران با تأکید بر تأمین نیازهای روان‌شناختی بر اساس منتخب



۱۸۸

پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی
نهار و تابستان ۱۴۰۵

احادیث کتاب بحارالانوار. پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۱۳(۳۸) ۲۲ - ۴۷.

روشنی، شهره (۱۳۹۶). تبیین آرامش زنان در زندگی مشترک مطالعه‌ای کیفی با رویکرد نظریه مبنایی. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی بالینی. دانشگاه تربیت مدرس.

زارعی توپخانه، محمد (۱۴۰۲). پیمان‌شکنی زناشویی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۹۵). زوج‌درمانی با روی‌آورد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

سالاری‌فر، محمدرضا؛ هراتیان، عباسعلی؛ داوری، یحیی و فروزش، سجاد (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی خانواده. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

سالاری‌فر، محمدرضا؛ شماخته، میلاد و شریف یزدی، سعید؛ فروزش، سجاد (۱۴۰۵). خانواده در قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

سالاری‌فر، محمدرضا (۱۴۰۲). زوج‌درمانی با روی‌آورد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.



۱۸۹

مفهوم‌سازی شفقت به خود بر اساس دعای مکارم الاخلاق در...

شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۹). روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی: مبانی نظری و مراحل اجرا. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۴(۲۷)، ۴۱ - ۷۳.

شجاعی، محمدصادق؛ سقایی‌بی‌ریا، محمدناصر؛ عسگری، علی و توکلی، سوده (۱۴۰۲). مدل مفهومی تعامل به معروف بین همسران بر اساس منابع اسلامی. روان‌شناسی قرآن‌بنیان، ۲(۱)، ۱۶۵ - ۱۸۸.

شماخته، میلاد و صفورایی‌پاریزی، محمدمهدی (۱۴۰۴). بررسی مؤلفه‌های امنیت عاطفی خانواده در آموزه‌های قرآن کریم. اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، ۱۱(۲۳) ۶۲ - ۸۹.

شماخته، میلاد (۱۴۰۲). مدل مفهومی خطاهای شناختی زوجین در قرآن و روان‌شناسی. رساله سطح ۴ قرآن و روان‌شناسی. مرکز تخصصی قرآن‌پژوهی امام علی بن ابیطالب (ع).

شماخته، میلاد؛ صادقی‌سرشت، علی؛ مصلحی، جواد (۱۴۰۵). مدل مفهومی و بسته درمانی قرآن‌بنیان بخشودگی زناشویی و اثربخشی آن. رساله دکتری. جامعة المصطفی العالمیه.

صادقی‌سرشت، علی (۱۳۹۳). ساخت پرسش‌نامه باورهای منطقی زوجین در منابع اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

صادقی، مسعود (۱۳۹۲). تدوین مدل بومی خانواده سالم و بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر این مدل بر سلامت خانواده، عملکرد خانواده و کیفیت رابطه زناشویی. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی بالینی. دانشگاه اصفهان.

صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۲ق). من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.

هدایت‌شده، سعید و تبیک، محمدتقی (۱۴۰۳). مدل مفهومی «مودت» و «رحمت» در روابط همسران بر اساس منابع اسلامی. روان‌شناسی فرهنگی، ۸(۱) ۲۹ - ۴۳.

صفورایی، محمد مهدی (۱۳۸۸). شاخص‌های خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام و ساخت پرسش‌نامه آن. رساله دکتری روان‌شناسی تربیتی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۵). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

غروی، سید محمد و آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۵). درآمدی بر روان‌شناسی اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۱۷ق). التفسیر الکبیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

قهاری، شهربانو (۱۳۹۵). زوج درمانی شناختی رفتاری. تهران: رشد.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۳۲ق). اصول کافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۵). بحار الانوار. بغداد: الوفاء.

نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۴۲۱ق). صحیح مسلم. بغداد: دار الطباعة العامرة.

مصلحی، جواد؛ صفورائی پاریزی، محمد مهدی؛ تقیان، حسن و مستر حمی، سید عیسی (۱۴۰۴). معماری خانواده معنوی: تبیین الگوی پنج‌بعدی مبتنی بر استنتاج از قرآن و روان‌شناسی. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۹(۳۹)، ۷ - ۵۰.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه آثار. تهران: صدرا.

نعمتی، سلمان (۱۳۹۸). عوامل آرامش‌زا و آرامش‌زدا خانواده در قرآن و ساخت پرسش‌نامه آن. رساله دکتری. جامعه المصطفی العالمیه.

نورعلیزاده، مسعود (۱۴۰۲). مدلیابی مفهومی از منابع اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

نوری، نجیب‌الله و اکبرزاده، هادی (۱۴۰۱). بسته آموزشی خوش‌بینی همسران بر اساس منابع اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه معارف اسلامی. هاید، جانت شیلی (۱۳۸۴). روان‌شناسی زنان (سهم زنان در تجربه بشری). ترجمه اکرم خمسه. تهران: آگاه.

هوشیاری، جعفر؛ صفورایی پاریزی، محمدمهدی؛ جزایری، سیدحمید و تقیان، حسن (۱۴۰۱). ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه سنجش مرزهای روان‌شناختی خانواده بر اساس قرآن کریم. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۵(۲۸)، ۷-۲۹. سانتراک، جان (۱۳۹۷). روان‌شناسی رشد. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: رسا.

Acker, M. & Davis, M. H. (1992). Intimacy, passion and commitment in adult romantic relationships: A test of the triangular theory of love. *Journal of Social and Personal Relationships*, 9(1), 21-50.



۱۹۱

مفهوم‌سازی شفقت به خود بر اساس دعای مکارم الاخلاق در...

Askarpour, M. & Mohammadipour, M. (2016). Psychometric properties of the Triangular Love Scale (TLS) in Iranian married students. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 18(2), 89-97.

Baqum, D. C., Opestin, A. J. & Parr, M. R. (2012). Something more: The meanings of marriage for religious couples in America. *Marriage & Family Review*, 48(4), 339-362.

Bek, A. T. (2014). *The relationship between equity and marital quality among Hispanic Africans and American and Caucasian* (Doctoral dissertation). The Ohio State University.

Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.

Cassepp-Borges, V. & Pasquali, L. (2012). Confirmatory factor analysis of the Brazilian version of the Triangular Love Scale. *Paidéia (Ribeirão Preto)*, 22(53), 389-396.

Clemente, M., Hernández, P. & Luna, S. (2020). Love theories in social psychology: The place of Sternberg's triangular theory. *Journal of Social Psychology Studies*, 35(4), 412-430.

- Dion, K. K. & Dion, K. L. (1976). Love, liking, and trust in heterosexual relationships. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 2(3), 225-230.
- Fletcher, G. J. O., Simpson, J. A. & Campbell, L. (2000). Personality and love: The role of personality traits in the triangular theory of love. *Journal of Personality*, 68(2), 357-382.
- Gao, G. (2001). Intimacy, passion, and commitment in Chinese and US American romantic relationships. *International Journal of Intercultural Relations*, 25(3), 329-342.
- Glaser, B. G. & Strauss, A. L. (1967). *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. Aldine.
- Hasanagic, A. & Draganovic, S. (2014). Validation of the Triangular Love Scale in Bosnia and Herzegovina. *Epiphany: Journal of Transdisciplinary Studies*, 7(1), 113-124.
- Hatfield, E. & Rapson, R. L. (2005). *Love and sex: Cross-cultural perspectives*. University Press of America.
- Hatfield, E. & Walster, G. W. (1978). *A new look at love*. University Press of America.
- Hill, S., Rexrode, K. & Spiegelman, D. (2019). Primary prevention of stroke by healthy lifestyle. *Circulation*, 118(9), 947-954.
- Lee, J. A. (1973). *The colors of love: An exploration of the ways of loving*. New Press.
- Lee, J. A. (1977). A typology of styles of loving. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 3(2), 17-32.
- Lemieux, R. & Hale, J. L. (1999). Intimacy, passion, and commitment in young adult romantic relationships: A test of the triangular theory of love. *Journal of Social and Personal Relationships*, 16(3), 401-415.
- Ng, T. K. & Cheng, C. (2010). Psychometric properties of the Chinese version of the Triangular Love Scale. *Journal of Psychology in Chinese Societies*, 11(2), 159-178.
- Olson, D. H. & DeFrain, J. (2006). *Marriage and the family: Intimacy, diversity, and strengths* (6th ed.). McGraw-Hill.
- Overbeek, G., Ha, T., Scholte, R., de Kemp, R. & Engels, R. C. M. E. (2007). Brief report:



Intimacy, passion, and commitment in romantic relationships—Validation of a triangular love scale for adolescents. *Journal of Adolescence*, 30(3), 523-528.

Patton, M. Q. (2015). *Qualitative research and evaluation methods* (4th ed.). SAGE Publications.

Rubin, Z. (1970). Measurement of romantic love. *Journal of Personality and Social Psychology*, 16(2), 265-273.

Schmiedeler, E. (1947). *An introductory study of the family*. Appleton-Century-Crofts.

Sorokowski, P., Sorokowska, A., Karwowski, M. & Groyecka, A. (2021). Universality of the triangular theory of love: Adaptation and validation of the Triangular Love Scale in 25 countries. *Journal of Sex Research*, 58(1), 106-115.

Sternberg, R. J. (1986). A triangular theory of love. *Psychological Review*, 93(2), 119-135.

Sternberg, R. J. (2020). *The triangular theory of love*. In *The new psychology of love* (2nd ed., p. 35-52). Cambridge University Press.

Strauss, A. & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2nd ed.). SAGE Publications.

Sumter, S. R., Valkenburg, P. M. & Peter, J. (2013). Perceptions of love across the lifespan: Differences in passion, intimacy, and commitment. *Journal of Social and Personal Relationships*, 30(6), 749-771.

Ventura-León, J., Peña-Calero, B. & Caycho-Rodríguez, T. (2020). Psychometric evidence of the Triangular Love Scale in Peruvian university students. *Propósitos y Representaciones*, 8(3), e512.

Von Hildebrand, D. (1942). *Marriage: The mystery of faithful love*. Longmans, Green and Co.

